



## نسبت جهانی شدن و سلامت معنوی؛ چالش‌ها، فرصت‌ها و ملاحظات عملی برای نظام تربیتی اسلام

آذر تاجور\*



پژوهش حاضر به دنبال تبیین «نسبت جهانی شدن و سلامت معنوی؛ چالش‌ها، فرصت‌ها و ملاحظات عملی برای نظام تربیتی اسلامی» بوده و با توجه به عنوان و سؤال‌های مطروحه، پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

۱. در این راستا، برخی از عمده‌ترین فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی شدن برای سلامت معنوی شامل: آموزش الکترونیکی، ضرورت مشارکت با دیگران، گفت‌وگوی بین ادیان، تسهیل شرایط دادوستد فرهنگی و دینی، لزوم حرکت به سمت اصول و ارزش‌های عمیق معنوی، تحول در مفاهیم اقتدار و بهره‌مندی از ابزارهای اطلاعاتی و ... هستند. ۲. چالش‌های ناشی از پدیده جهانی شدن در عرصه سلامت معنوی شامل: هجوم ضد ارزش‌های فرهنگ غرب به کشورهای جنوب، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات معنوی، تخریب پلورالیسم فرهنگی، بلوغ زودرس، غلبه تربیت لیبرالیستی، سوءاستفاده از انواع ابزارهای الکترونیکی، سکولاریزاسیون کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جوامع و ... می‌شوند. ۳. ملاحظات ضروری به واسطه پدیده جهانی شدن در عرصه سلامت معنوی عبارتند از: ضرورت توجه آموزش و پرورش در جهت استقرار تربیت معنوی به علایق ایدئولوژیک پنهان در مواد آموزشی، تحول بر مبنای ارزش‌ها و اصول اسلامی در جهت علایق ایدئولوژیک اسلامی، تدوین نظام جدیدی از تربیت معنوی به جای کناره‌گیری و وارد میدان عمل شدن و ...

**واژگان کلیدی:** سلامت معنوی، تربیت دینی، مدارس، جهانی شدن، چالش.

جهانی شدن طی فرآیندی انجام می‌گیرد که محصول «صنعت ارتباطات جهانی» است و منشأ تغییرات ساختاری در مفهوم «جامعه» و «جماعت» شده است و به نوعی «فراملی کردن فرهنگ‌ها» و تغییر در فرهنگ را به دنبال داشته است. اگر این نکته را بپذیریم که دیر یا زود باید به پیشواز جهانی واحد و یکپارچه برویم، جهانی که با گسترش رسانه‌های جمعی و فروریختن مرزهای فیزیکی و جغرافیایی به دهکده‌ای مبدل شده که بدون دغدغه زمانی و مکانی می‌توان ابعاد محدود آن را درنوردید. در این جریان همه ما خواه یا ناخواه با سؤالاتی اساسی و بنیادی مواجه خواهیم شد؛ سؤالاتی که طراحی پاسخ‌های مناسب برای آنها، کشورهای دنیا را در جهت سازگاری با فضای واحد جهانی کمک خواهند کرد و یکی از این سؤالات بنیادی با توجه به اینکه تعلیم و تربیت در جامعه ما از دیرباز با آموزه‌های دینی آمیخته بوده و اکنون نیز در سطحی گسترده و عمیق متأثر از آن است، این می‌تواند باشد که در عصر جهانی شدن با توجه به پیامدهای آن، نظیر ساخت‌شکنی، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و در دسترس بودن اطلاعات، می‌توان از تربیت دینی (اسلامی) و سلامت معنوی صحبت کرد یا به عبارت دیگر، در چنین شرایطی سلامت معنوی چه جایگاهی در تربیت اسلامی دارد؟ (برخورداری، ۱۳۸۴، ۸-۹). مطالعات فرهنگی

فصلنامه  
علمی-تخصصی  
پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول  
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



گرایش به دین یکی از اصلی‌ترین و کهن‌ترین گرایش‌های انسانی است که تاریخ از آن یاد کرده و می‌کند و در هیچ جامعه‌ای و یا در عصری از زندگی بشری چنان نبوده است که هیچ نشانی از آن نباشد. چراکه در دوران حاضر نیز با توجه به چالش‌ها و مسائل نوین تربیتی و دینی که حاصل جهانی شدن و فعالیت‌های رسانه‌ای هستند، این امر بیشتر به چشم می‌خورد (رقیب و نجفی، ۱۳۸۸، ۱۳۴۲-۱۳۴۱). در این عصر سلامت معنوی دانش‌آموزان، نیازمند طراحی

و بازمهندسی در زمینه برنامه درسی با رویکردهای هدفمند و تحقق‌پذیر است. با این تحولات و تغییرات، طراحی هدفمند برنامه درسی می‌تواند هم در جنبه‌های مادی و معنوی و هم در سایر مسائل زندگی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود. به هر حال، ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از دین و کاربردهای آن در جامعه، نیازمند عزم جدی تمامی ارکان دولت در بستر آموزش و پرورش است.

با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی و رعایت اصول اخلاقی، می‌توان به شیوه‌ای صحیح و مؤثر در به فعلیت رساندن استعدادها و معنوی و انسانی‌کوشش نمود و شخصیت واقعی انسان را نشان داد. بنابراین می‌توان مقصد نهایی و غایت تربیت دینی، اخلاقی و اسلامی را در تربیت معنوی مشاهده کرد (رضایی زارچی، ۱۳۸۵، ۱۲۶). تربیت معنوی با پیروی از دستورات الهی (تربیت دینی و اسلامی) و زدودن باطن از صفات ناشایست و آراستن آن با صفات نیک (تربیت اخلاقی)، تحقق می‌یابد و خود نیز دارای مراتب فراوانی است. بنابراین افزودن قیودی مانند دین، مذهب و اسلام به تربیت، مبانی، اصول، راهکارها و توصیه‌هایی اشاره دارد که تنها بر اساس آنها می‌توان مراحل گوناگون فرایند تربیت معنوی را پیمود و در بستر آن حرکت کرد.

### مفهوم برنامه درسی معنوی

برنامه درسی معنوی که موضوع اصلی آن، رشد و تکامل روحی و نفسانی انسان است و تمام حقایق وجودی که به شکلی در این مسیر مؤثرند - صرف‌نظر از میزان و چگونگی تأثیرگذاری آنها - و به منزله «ارزش» تلقی می‌شوند، را در بر می‌گیرد (کینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ۳۶). در این زمینه به چیزی می‌توان «ارزش معنوی» اطلاق کرد که چند ویژگی داشته باشد: الف) به طور واقعی و منطقی تأمین‌کننده



نیازهای معنوی و خواسته‌های متعالی انسان باشد؛ ب) ملایم و هم‌جهت با  
علائق معنوی و فراهم‌کننده لذت معنوی برای انسان باشد؛ ج) در جهت کمال  
غایی و سعادت نهایی انسان قرار داشته باشد؛ د) بر مبنای اصول اعتقادی، فروع  
دینی و مبانی اخلاقی باشد (نجفی و کشانی، ۱۳۸۸، ۱۲۳۶).

در این راستا، فرایند تعلیم و تربیت باید طوری ادراک و توصیف شود که از  
اهداف عمده آن، پرداختن به موضوع‌ها و مفاهیم بنیادی، همچون فلسفه و  
چرایی حیات، آغاز و انجام آن، مراتب حیات، رسالت واقعی انسان در دنیا،  
سعادت و شقاوت حقیقی و چگونگی راهیابی به آن، باشد. دیگر مفاهیم تربیتی  
و آموزشی باید در پرتو این پرسش‌گری بنیادی تبیین و توجیه شوند و در این  
میان، تقویت ایمان و باورهای دینی و آراستن به کمالات اخلاقی و فضایل  
معنوی، به مثابه یک ملاک برای کارآمدی و ارزیابی راهبردهای آموزشی مورد  
توجه قرار می‌گیرد. هدف‌های آموزشی فراتر از دانش‌اندوزی، مهارت آموزشی  
و نگرش‌یابی در نظر گرفته می‌شوند. تکامل نفس و تعالی روح و روان  
یادگیرنده و زمینه‌سازی برای تحقق یک جامعه معنوی، به منزله هدف‌نهایی  
یادگیری در تمام موضوع‌های درسی در کانون فعالیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی  
و درسی قرار گیرد (نجفی و کشانی، ۱۳۸۸، ۱۲۳۸-۱۲۳۹).

برنامه درسی معنوی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: محتوای رسمی و  
غیررسمی، شیوه‌های تدریس و فرصت‌های یادگیری که از طریق آن، فراگیران  
امکان می‌یابند که به کمک سازمان‌های آموزشی و اقدامات تربیتی به شناخت  
بیشتر زوایای پنهان وجود خویش و جهان هستی<sup>۵</sup> که ماهیت و هویتی معنوی،  
مجرد و فرامادی دارد و اساس رفتارهای معنوی و انسانی را تشکیل می‌دهد<sup>۶</sup>  
بپردازد و بر مبنای آن، قابلیت‌ها و استعداد‌های معنوی و متعالی خود را به شکل  
جهت‌دار و هدفمند به فعلیت رسانند (نجفی و کشانی، ۱۳۸۸، ۱۲۴۰).

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲

۱۳۰



## سلامت معنوی

خداوند سبحان، خیر بنیادین و بنیاد هر خیر است و سرچشمه اصلی تمام ارزش‌ها در عالم هستی تلقی می‌شود؛ پس شناخت او و کسب معارف توحیدی، ضروری‌ترین نوع یادگیری و بالاترین مرتبه آن به شمار می‌رود و سایر موضوعات در ارتباط با آن، معنا و مطلوبیت حقیقی می‌یابند. یادگیری علوم باید زمینه ایجاد بینش و نگرش توحیدی را در مورد نظام هستی فراهم سازد تا فرایند تغییر آفرینی در رفتارها و اعمال یادگیرندگان و گرایش به سوی ارزش‌های معنوی تسهیل شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۶، ۸۱).

جهان هستی به دو نوع محسوس و غیر محسوس تقسیم می‌شود و فقط پرداختن به جلوه‌های محسوس و مادی آن نمی‌تواند نیازهای عمده و اساسی یادگیرنده را تأمین کند. مراحل پیشرفت فراگیران در فرایند یاددهی-یادگیری، از دانایی آغاز می‌شود و از طریق عقل نظری و عملی به سوی ادراک و اشراق ادامه می‌یابد. حواس انسان به منزله واسطه دریافت محرک‌های محیطی و تجارب حسی به مثابه ابتدایی‌ترین مرتبه فراگیری و زمینه‌ای برای وصول به مراتب بالاتر یادگیری، مورد استفاده قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۵، ۴۱).

در راستای معرفی سلامت معنوی، اشاره به کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ به «همام» درباره صفات مؤمن اشاره می‌کنیم که این‌گونه می‌فرمایند: «ای همام، مؤمن، انسان زیرک و باهوشی است که شادی‌اش بر چهره و اندوهش در دلش باشد؛ او باوقار، متذکر، شاکر و صابر است؛ خوش‌خلق و نرم‌خوست؛ باوفا و کم‌آزار است؛ در قضاوت، خلاف حق نمی‌گوید و در علمش بیراه نمی‌رود؛ دوستی‌اش صمیمانه و پیمانش محکم و در قرارداد باوفاست؛ یاور دین و حامی مؤمنین و پناه مسلمین است...» (نهج‌البلاغه، خطبه همام).



## ویژگی‌های افراد برخوردار از سلامت معنوی

۱. دعا کردن، ۲. تعمق و تحلیل رؤیاهای، باورها و ارزش‌های معنوی و دینی؛ ۳. شناخت و مهارت در فهم و تفسیر مفاهیم مقدس؛ ۴. توانایی داشتن حالات فراروندگی (رقیب و نجفی، ۱۳۸۸، ۱۲۳۵)؛ ۵. درستی و صراحت؛ ۶. تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت و تحمل؛ ۷. مقاومت و پایداری؛ ۸. تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران (نازل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ۵۲)؛ ۱۰. توانایی تفکر انتقادی؛ توانایی خلق هدف برای زندگی؛ ۱۲. برخوردار بودن از حس انعطاف‌پذیری بالا (ویلکس ورت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ۱۰۲)؛ ۱۳. ظرفیت تعالی<sup>۳</sup>؛ ۱۴. فراگذشتن از دنیای جسمانی، مادی و متعالی کردن آن ۱۵. توانایی ورود به حالت‌های معنوی از هوشیاری؛ ۱۶. توانایی آراستن فعالیت‌ها، حوادث و روابط زندگی روزانه با احساس تقدس؛ ۱۶. توانایی استفاده از منابع معنوی در جهت حل مسائل زندگی؛ ۱۷. ظرفیت درگیری در رفتار فضیلت‌مابانه؛ ۱۸. تشخیص کرامت و ارزش فردی (جامی، ۱۳۸۱، ۳۵۲)؛ ۱۹. تنظیم رفتار معنوی مبتنی بر الگوی معنوی (جامی، ۱۳۸۱، ۳۶۲)؛ ۲۰. احساس تعهد، اتحاد و یکپارچگی؛ ۲۱. قدرت مقابله با سختی‌ها، دردها و شکست‌ها؛ ۲۲. خودآگاهی بالا؛ ۲۳. درس گرفتن از تجربیات و شکست‌ها؛ ۲۴. توانمند بودن در خودداری و کنترل خویش.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول  
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



## سؤالات پژوهش

در پژوهش حاضر، چهار سؤال اصلی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱. فرصت ناشی از پدیده جهانی‌شدن برای عرصه سلامت معنوی چیست؟
۲. چالش‌های اساسی مطرح در تعامل جهانی‌شدن و سلامت معنوی کدام است؟
۳. نظام‌های تربیت اسلامی در راستای تعامل جهانی‌شدن و سلامت معنوی با چه شرایط و ملاحظاتی روبه‌رو هستند؟

1. Nasel
2. Wiggles
3. The capacity for transcendence

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال تبیین «نسبت جهانی‌شدن و سلامت معنوی؛ چالش‌ها، فرصت‌ها و ملاحظات عملی برای نظام تربیتی اسلامی» بوده و با عنایت به عنوان و سؤال‌های مطرح‌شده، پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

## جامعه و نمونه پژوهش

با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی است. از آنجا که در پژوهش حاضر کلیه منابع و مراجع موجود، فیش‌برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، نمونه‌گیری انجام نشده و کلیه منابع و مراجع در دسترس مذکور، مورد بررسی و تحلیل واقع شده است.

## ابزار گردآوری داده‌ها

به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، به صورت ابزاری در پژوهش استفاده نشده؛ ولی در این ارتباط از برگه‌های فیش‌برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است.

## شیوه تحلیل داده‌ها

از آنجا که داده‌های به دست آمده کیفی است، بنابراین از تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی آنها استفاده شده است.



## تحلیل یافته‌های پژوهش

در اینجا نتایج بررسی سؤال‌های پژوهش ارائه خواهد شد که عبارتند از:

### بررسی سؤال اول پژوهش

#### ۱. فرصت ناشی از پدیده جهانی شدن برای سلامت معنوی چیست؟

اولین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه فرصت ناشی از پدیده جهانی شدن برای سلامت معنوی چیست؟

«در عصر جهانی شدن، دین مسئولیت ویژه‌ای دارد. فرهنگ‌ها و ادیان حتی در عصر جهانی شدن، جایگاه خود را از دست نخواهند داد و جهانی شدن با همگون شدن و یا از بین رفتن فرهنگ‌ها متفاوت است. در آینده بشر یک دین هم وجود نخواهند داشت» و برنامه‌ریزان تربیت دینی باید آموزش سایر آموزه‌های دینی ادیان دیگر و محتوای تطبیقی آنها را در برنامه‌های آموزشی رسمی بگنجانند. در عصر جهانی شدن، انفجار اطلاعات و ارتباطات ملی و بین‌المللی، نه تنها دین را به حاشیه نرانده است، بلکه آن را در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان دیگر به دین و آموزه‌های دینی، احساس نیاز می‌کند (هینس، ۱۳۸۱، ۹۳). انسان و دین، هر دو همزادند و نهاد دین به قدمت حیات انسانی پیشینه دارد. بر پایه این واقعیت عینی، مفروض است که تعریف انسان از «موجودی اندیشه‌گر» و یا «سیاست‌ورز» به موجود «دین‌ورز» موجه‌تر می‌نماید که نشان‌دهنده این موضوع است که نه تنها تربیت دینی در صحنه جهانی حذف نمی‌شود، بلکه شرایط و زمینه مساعدی برای آن فراهم می‌شود. پدیده «جهانی شدن» در حوزه فرهنگ، عرصه مناسبی برای تبادل افکار افراد بشر فراهم آورده است. قرآن کریم به

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول  
شماره دوم  
تابستان ۱۳۹۲





انسان توصیه می‌کند که در عرصه تبادل افکار (استماع قول) از قبول کورکورانه آن پرهیز کنند و با تعقل و تفکر خود، گزینش احسن این افکار را رقم بزنند. برخی از فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی شدن برای سلامت معنوی عبارتند از:

**۱. آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور:** آموزش الکترونیکی و مجازی، نمونه‌هایی جدید از روش‌های آموزشی هستند که با گسترش فناوری اطلاعات شکل گرفته و توسعه یافته‌اند؛ این دو نوع آموزش، بسیاری از محدودیت‌های روش‌های موجود را ندارند و افراد بسیاری می‌توانند با توجه به شرایط خاص از آنها استفاده کنند. در این نوع آموزش‌ها، مرزهای مکانی و تا حدودی زمانی از پیش پای انسان برداشته شده است. مشخصه عمده این نوع آموزش‌ها، گستردگی، تنوع و قابلیت تغییر بر اساس استعدادها و علایق افراد است. در برخی کشورها این قابلیت فناوری اطلاعات بسیار مورد توجه قرار گرفته است و توسعه آموزش همگانی با استفاده از فناوری اطلاعات در دستور کار این کشورها قرار دارد (جلالی، ۱۳۸۱، ۲۵-۲۷). بنابراین گرچه رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، بشر امروز را با «توده‌ای شناور» از افکار مختلف که «هویت‌های مجازی» گوناگون را در بردارد، مواجه کرده است؛ اما توصیه قرآن کریم در این موارد، تأکید بر «قدرت گزینش» انسان و پرهیز او از پذیرفتن «هویت‌های مجازی» غیرواقعی است که با «فطرت بشری» و «علت‌غایی» دین منافات دارد؛ از این‌رو در سلامت معنوی در عصر جهانی شدن باید به وسیله پرورش تعقل، ارزیابی نقادی احسن را در دانش‌آموزان از طریق برنامه‌های تربیت اسلامی فراهم نمود.

**۲. مشارکت با دیگران:** در قرن حاضر، تعلیم و تربیت باید بکوشد تا با تمرین دادن انسان برای یک زندگی مشترک جهانی با هم‌نوعان خود، او را

به‌سوی ارزش‌ها و اخلاقیاتی سوق دهد که کلی و جهان‌شمول باشند تا انسان، جزمی<sup>۱</sup> و تک‌بعدی بار نیابد، دارای حس همدلی و همیاری بالایی باشد و توانایی تحمل دیگران و معاشرت آنها را داشته باشد. معاشرت با دیگران، یعنی نهراسیدن از تضارب آراء، تلاقی اندیشه‌ها و تقارن آرمان‌ها و خواسته‌ها.

**۳. گفت‌وگوی بین ادیان:** گفت‌وگوی بین ادیان به عنوان ابزاری برای تفاهم، تعارف و درک متقابل بشر برای یک زندگی مسالمت‌آمیز و غلبه بر تحولات و تخصصات، ظهور دوبارهٔ تعصبات و تنگ‌نظری‌ها، امری مفید و در اختیار رهبران، عالمان و پیروان ادیان است که برنامه‌ریزان باید محتوایی برای آشنایی تطبیقی با دیگر ادیان آسمانی در برنامه‌های سلامت معنوی بگنجانند. آموزه‌هایی نظیر عقلانیت و عدالت‌گرایی و اصل برابری، اعتقاد به کرامت انسان، الغای تبعیض نژادی و اجتماعی، توجه به ارزش‌های اخلاقی، داشتن الگوهای کامل تربیتی و جامع‌نگری به ابعاد و شئون انسان از قابلیت‌ها و آموزه جهانی اسلام به شمار می‌روند که در سایر ادیان و فرهنگ‌ها، نظیر و بدیلی ندارند. از سوی دیگر، اسلام، تنها فرهنگی است که برای حل معضلات جهانی همه شئون حیات بشر، راهبردها و راه‌حل‌های اساسی دارد. در عصر جهانی شدن می‌توان وجدان‌ها و فطرت‌های انسانی را با بهره‌گیری از کلام و آموزه‌های وحیانی تحت تأثیر قرار داد و با تعلیم و تربیت دینی، این وجدان را تحت تأثیر قرار دهند (خسروشاهی، ۱۳۵۱، ۵۲).

**۴. کسب مهارت‌های نقد و تحلیل منابع اطلاعاتی:** مشکل اصلی انسان مدرن، بی‌هویتی و نداشتن معانی و آرمان‌های متعالی در کنار تجربه مستقیم وحی از جهان است. استفاده از فضاهای مجازی آرمانی که ارزش تربیتی معنوی یا آموزشی دارند نیز با هدف آگاه‌سازی از فضایی مانند زیبادوستی، صلح‌طلبی،

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲

۱۳۶



عدالت خواهی و نیز آشتی دادن دستاوردهای فنی با دستاوردهای انسان شناسانه، جهان شناسانه و دین شناسانه صورت می گیرد (قادری، ۱۳۸۳، ۸۷). برای حاکم کردن اخلاق و ارزش های والای انسانی و توسعه مفهوم جامعه، یادگیرنده در برنامه های سلامت معنوی لازم است در فضای یادگیری شبکه جهان گستر، مسائلی چون مهارت های نقد و تحلیل منابع اطلاعاتی و مسائل اخلاقی در برنامه درسی مدارس گنجانده شود.

۵. تسهیل شرایط داد و ستد فرهنگی و دینی: «جهانی شدن»، نیرویی است که با کمک آن، دانش آموزان می توانند ضمن تعامل با دیگران، با تعالیم و آموزه های دینی مختلف آشنا شده و به نقد و ارزیابی عقاید مختلف بپردازند. امکان دسترسی فرهنگ های محلی و دینی به سطوح جهانی، امکان تبادلات میان ادیان و فرهنگ ها را فراهم می آورد که شایسته است در برنامه های تربیت دینی به این موضوع توجه شود.

۶. فناوری آموزشی: فناوری آموزشی، زمینه بهره گیری از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی با تفکر منطقی و اتخاذ شیوه های راهبردی در حل و فصل مسائل را فراهم می سازد. گسترش و توسعه نظام های آموزشی از راه دور<sup>۱</sup>، یادگیری باز<sup>۲</sup>، آموزش مجازی<sup>۳</sup> و محیط یادگیری الکترونیک<sup>۴</sup> باعث گسترش شیوه ها و راهبردهای آموزش و یادگیری تربیت دینی، تربیت معنوی و برنامه درسی معنوی در عصر جهانی شدن است. در عصر جهانی شدن ابزار نوین آموزشی ترکیبی، می توان در کلاس های همراه با مربی، اعم از حضوری یا غیر حضوری از گزینه های تلفیق شده با فناوری استفاده نمود. پخش زنده تلویزیونی، ویدئو کنفرانس، پیغام سریع اینترنتی، استفاده از صدا در شبکه، امکان چت برای پرسش و پاسخ، تابلوهای الکترونیکی، پیگیری و راهبری آنلاین از



1. Distance Education
2. Open Learning
3. Virtual Education
4. E-mail

طریق ایمیل، انجمن‌های بحث و خبری به طور هم‌زمان (چت) یا غیر هم‌زمان با تعیین قرار قبلی و تحویل الکترونیکی تکالیف، از دیگر ابزار نوین این آموزش‌ها هستند که از این ابزارها می‌توان در جهت آموزش و انتقال محتوای سلامت معنوی استفاده نمود (پورطهماسبی، ۱۳۸۷، ۱، ۸۷).

۷. اصول و ارزش‌های عمیق انسانی: آرمان و اصولی چون آزادی، برابری، عدالت، شرافت، بدبودنِ ظلم، راست‌گویی و بسیاری دیگر که روح ادیان را شکل می‌دهند، در دوره یکپارچگی جهانی و عصر جهانی‌شدن نیز تداوم خواهند یافت؛ از این‌رو این مفاهیم به‌گونه‌ای خودکار، پویا و روزآمد می‌شوند و همچنان انتظارات انسانی را برآورده می‌کنند؛ بنابراین، در عصر جهانی‌شدن در برنامه‌های سلامت معنوی، باید به این اصول و ارزش‌های مشترک ادیان توجه نمود و آنها را در برنامه‌های تربیت اسلامی به عنوان روح ادیان قرار داد.

۸. تحول در رسانه‌ها: رسانه‌های صوتی-تصویری، چندرسانه‌ای الکترونیکی، به همان صورت که ابزار سیطره بخشیدن به افکار و ارزش‌های آمریکایی است، می‌تواند در خدمت افکار و ارزش‌های دینی قرار گیرند؛ از این‌رو در برنامه‌های سلامت معنوی باید با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و چندرسانه‌ای الکترونیکی زمینه را برای بالا بردن اثربخشی آن فراهم نمود. در عصر جهانی‌شدن با فعالیت‌های فضای شبکه‌ای، مفاهیم، اقتدار خود را از دست می‌دهند و قابل مناقشه می‌شوند و به آسانی از سوی کاربران به بحث گذاشته می‌شوند و فراگیران توانایی تصمیم‌گیری درباره مسیرهای یادگیری خود را می‌یابند. تعلیم و تربیت، خود جهت‌یاب و هدف‌گر است و در عصر جهانی‌شدن باید به شرایط یادگیری و یادگیرندگان در امر آموزش و تربیت دینی توجه نمود (عطاران، ۱۳۸۲، ۳۶-۳۸).

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



## ۲. بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه چالش‌های اساسی مطرح در تعامل جهانی‌شدن و سلامت معنوی کدام است؟

برخی از عمده‌ترین چالش‌های پیشروی تعامل جهانی‌شدن و سلامت معنوی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. ارزش‌های فرهنگی غرب: هجوم ضد ارزش‌های فرهنگ غرب به کشورهای جنوب با هدف مسخ فرهنگ‌های محلی و در واقع بی‌هویتی فرهنگی آن کشورها است و ارزش‌های سنتی و دینی جامعه ما نیز روزبه‌روز دستخوش فرآیند جهانی‌شدن قرار می‌گیرد که این وضعیت، تهدیدی برای برنامه‌های تربیت اسلامی در عصر جهانی‌شدن است (پور طهماسبی، ۱۳۸۸، ۲).

۲. تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات معنوی: آموزه‌های اعتقادی، ارزش‌های دینی و معیارهای اخلاقی اسلام، مطلق، ثابت و تعطیل‌ناپذیرند؛ در حالی که فرآیند جهانی‌شدن کنونی مبتنی بر هیچ‌یک از این ارزش‌های قدسی و الهی نیست و اگر نفی‌کننده این ارزش‌ها نباشد، دست‌کم پذیرای آنها هم نیست. از پیامدهای منفی جهانی‌شدن، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات بومی است. در جهانی‌شدن، دین و تفکر مردم، تحت فشار سکولاریزم و نسبی‌گرایی واقع می‌شود که این پیامدها، سلامت معنوی و اصول و ارزش‌های مطلق دینی را تحت فشار قرار می‌دهند.

۳. پلورالیسم فرهنگی: سیاست جهانی‌شدن فرهنگ‌ها در صدد است تا با سيطرة یک فرهنگ، مسئله پلورالیسم فرهنگی را از بین ببرد و یک فرهنگ با مؤلفه‌هایی که از روابط جدید اجتماعی و سیاسی بهره می‌برد را بر همه افکار،

فرهنگ‌ها و تمدن‌ها حاکم سازند و جهانی‌شدن، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و برخی ارزش‌ها و آموزه‌هایی را با خود به همراه دارد که عمدتاً در تعارض با باورها و ارزش‌های دینی است که این امر آموزش مطلق دینی را با تهدید مواجه می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۲، ۸۱-۸۲).

۴. **بلوغ زودرس:** بلوغ زودرس از دیگر ارمغان‌های جهانی‌شدن به دنیای جدید است. رسانه‌های جهانی با بمباران اطلاعاتی کودک و نوجوان و آگاهی فزاینده او به یک‌باره او را در مقابل مجهولاتی قرار می‌دهد که اقتضای سنی او نیست. به طوری که مشهود است، یکی از مسائل مهم در این‌باره بلوغ زودرس جنسی کودکان است که از طریق این رسانه‌ها ایجاد می‌شود؛ در نتیجه، آنچه مقتضای سنی و شرعی کودک نیست و دین در مراحل بعدی آن را طلب می‌کند، رخ داده و تربیت او مختل می‌شود (پورطهماسبی، ۱۳۸۸، ۲، ۱۸۴). به تعبیر زیبای روسو: «شرط رسیدن به بزرگسالی، بهره‌مند شدن از کودکی سالم است».

۵. **غلبه تربیت لیبرالیستی:** جهانی‌شدن، رستگاری و سعادت بشری را با مفهوم قرارداد اجتماعی به عنوان مبنای اساسی لیبرالیسم پیوند می‌زند؛ درحالی‌که سعادت و رستگاری فرد و جمع از نظر اسلام، در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی مورد توجه قرار می‌گیرند. جهانی‌شدن با ترویج نظام ارزشی خاصی، این مقوله دین را به چالش وامی‌دارد و تهدیدی که از این جنبه متوجه سلامت معنوی می‌شود این است که بسیاری از آموزه‌های دینی مطلق هستند و در صورت غلبه تربیت لیبرالیسم از بین خواهند رفت (سجادی، ۱۳۸۲، ۴۲۷).

۶. **سکولاریزاسیون کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جوامع:** «علم‌گرایی»، «نسبیت‌گرایی» و «ناشکیبایی در برابر دین» از جنبه‌های دنیای معاصر است که هر یک از آنها برای دین، مشکل‌آفرین هستند و باید در عصر

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۰

جهانی شدن در برنامه‌های سلامت معنوی به این تهدیدها توجه نمود. جهانی سازی از طریق شبکه‌های ارتباطی خود، همین سکولاریزاسیون در جوامع اسلامی و غیراسلامی را تبلیغ می‌کند و از عوارض و علائم سکولاریزاسیون، عوض شدن ادبیات مردم است؛ مفاهیم دینی و قدسی کمتر استعمال می‌شود و به جای آنها واژه‌ها و مفاهیم غیردینی و غیربومی را به کار می‌برند و به جای «جامعه دینی» از «جامعه مدنی» و به جای «عدالت» از «دموکراسی» و مشارکت غربی دم می‌زنند و همچنین به جای اخلاق و اجرای احکام الهی، از تساهل و تسامح استفاده می‌شود. از آنجایی که بسیاری از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مطلق هستند در صورت ادامه این روند، بسیاری از این آموزه‌ها با دشواری همراه است.

۷. **ظهور ابزارهای الکترونیکی:** استفاده افراد از انواع ابزارهای الکترونیکی، نظیر اینترنت، ماهواره و رایانه، باعث بسط و گسترش «الگوهای رفتاری» مشابهی در سطح جهانی شده است که عموماً از آن با عنوان «هویت مجازی» یاد می‌شود. فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی، به‌ویژه اینترنت و ماهواره برای کاربرانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زا» است، نه «هویت‌ساز»؛ چراکه «ارزش‌های زندگی» که دین مطرح می‌کند بر آن حاکم نیست و «هویت انسانی» قربانی «هویت ماشینی» شده است (رضایی زارچی، ۱۳۸۵، ۱۱۸). این امر، آموزش آموزه‌ها و تعالیم دینی را در نظام آموزشی رسمی تهدید می‌کند و تأثیرات وسایل ارتباطی جدید که جهت‌گیری خاصی دارند در تعارض با آموزه‌های دینی قرار می‌گیرند.

۸. **استیلاي مصرف‌گرایی:** در اثر جهانی شدن، بسیاری از آموزش‌هایی که توسط پیامبران، مریبان و متفکران بزرگ الهی، فرمول‌بندی شده بودند، کم‌رنگ



شده‌اند؛ زیرا که زندگی بیش از پیش تابع تمایل به مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی، مَدپرستی و شیءپرستی که توسط تجارت آزاد و جهانی شدن غربی افزایش یافته، تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی و نیز بهسازی تفکر و آگاهی انسان را عمیقاً تضعیف کرده است. آزادی اخلاقی و بی‌بندوباری و حذف اخلاق مذهبی به عنوان دستاورد بشری و عصر جدید که راه کشورهای اسلامی و بشریت را به سوی آینده‌ای بهتر و روشن‌تر می‌گشاید، تلقی می‌شود (اسماعیل یصحانی، ۱۳۸۱، ۱۷۳). این امر بسیاری از اصول سلامت معنوی را به چالش کشیده و آن را تهدید می‌کند.

۹. بیگانگی انسان از خویشتن: گرایش و اتکای شدید و افراطی به رایانه و آموزش مجازی و نیز به‌کارگیری فناوری ارتباطی-اطلاعاتی باعث بیگانگی انسان از خویشتن خویش که همانا فطرت خدایی اوست، می‌شود؛ این خودبیگانگی موجب جهان بیگانگی خواهد شد. بدین معنا که انسان از شناخت، درک و در نهایت سازگاری و هم‌نوایی با جهان هستی و طبیعت عاجز می‌ماند و جهان در بیگانگی نیز، نتیجه‌ای جز خدافراموشی و خدابیگانگی در پی نخواهد داشت (شمشیری، ۱۳۸۲، ۹۶). از آنجا که آموزش و تربیت دینی بر اساس فطرت خداجوی بشر است، سلامت معنوی با مشکل مواجه خواهد شد.

### ۳. بررسی سؤال سوم پژوهش

سومین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه نظام‌های تربیتی اسلام در راستای تعامل جهانی شدن و سلامت معنوی با چه شرایط و ملاحظات روبرو هستند؟

در جوامع اسلامی، باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام، بخش مهمی از هویت مسلمانان را شکل می‌دهد. این هویت، خواه‌ناخواه در درون مرزهای

فصلنامه  
علمی-تخصصی  
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول  
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲





اعتقادی و دینی تعریف می‌شود و نوعی خط‌کشی و مرزبندی بین خود و بیگانه را مطرح می‌سازد. هر چند تفاسیر و قرائت‌های مختلف از اسلام در این زمینه دارای تفاوت‌های جدی است؛ اما این تفاوت‌ها صرفاً پیرنگ شدن یا کم‌رنگ شدن مرز خودی و بیگانه را نشان می‌دهند؛ هر چند در اصل اینکه بالاخره دین و باورهای اسلامی بخشی از هویت جوامع اسلامی را تشکیل می‌دهد، اجماع‌نظر وجود دارد. با پذیرش این نکته هر چند تفسیر پلورالیستی مطلق از اسلام را اتخاذ نماییم، باز هم نوعی تعارض با هویت مطرح در فرایند جهانی شدن و زدودن مرزهای اعتقادی و مذهبی جوامع داریم و احتمالاً چالش‌انگیزترین بخش جهانی شدن و زدودن مرزهای اعتقادی و مذهبی جوامع داریم و احتمالاً چالش‌آورترین بخش جهانی شدن نسبت به اسلام و اندیشه دینی، خود فرهنگ و اندیشه است. این امر ناشی از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی است و از سوی دیگر، بخش مهمی از فرهنگ، متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است (سهراب و سارانی، ۱۳۸۷، ۶۷۴). بنابراین آموزش و پرورش در جهت استقرار تربیت اسلامی، ابتدا علایق ایدئولوژیک پنهان در مواد آموزشی، روش‌های تدریس، عناصر فضاها و آموزشی و با تعبیری برنامه‌های پنهان را شفاف ساخته و سپس بر مبنای ارزش‌ها و اصول اسلامی، آنها را در جهت علایق ایدئولوژیک اسلامی متحول می‌سازد و به تدوین نظام جدیدی از سلامت معنوی اقدام می‌نماید. ناگفته پیداست که گرچه این امر مستلزم صرف هزینه‌های فراوان مادی و انسانی برای برنامه‌ریزی و اجراست؛ ولی گریزناپذیر است (باقری، ۱۳۸۴، ۲۴۸). البته به نظر می‌رسد که این نظریه با واقعیت‌های موجود دینی مطابقت ندارد؛ زیرا در این نظریه ادعا بر این است که هر امتی که وحی خاصی دریافت کرده‌اند، باید از همان دین پیروی کنند؛ در حالی که ملت‌هایی دیده می‌شوند که از ادیان مختلفی



پیروی می‌کنند و چه‌بسا ادیانی که در میان ملت‌های مختلف پیروانی دارند؛ مثلاً در متن اروپا که بیشتر مردم مسیحی‌اند، بوسنی و هرزگوین مسلمان هستند. همچنین در همه کشورهای اسلامی، اقلیت‌های دینی از قدیم‌الایام وجود داشته و دارند. از سوی دیگر، افرادی که از یک دین پیروی می‌کنند نیز از ملت‌ها و مناطق مختلف کره زمین هستند. امروزه اقوام مختلف با فرهنگ‌های گوناگون و رنگ‌های متفاوت از اسلام پیروی می‌کنند. این پدیده نشان می‌دهد که اختصاص شرایع مختلف به فرهنگ و یا قوم و یا منطقه جغرافیایی با این واقعیات سازگاری ندارند (لگنهاوزن، ترجمه، ۱۳۷۹، ۲۳).

بر اساس این پژوهش‌ها، سه نوع موضع نسبت به جهانی‌شدن به سبک فعلی در بین افراد، قابل تصور و مشاهده شده است. اولین واکنش آن است که در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقاومت و با آن مخالفت نمایند. واکنش دیگر، تسلیم و انفعال در برابر فرهنگ بیگانه است. این گروه منفعل در فکر آن هستند که پدیده مسلط فرهنگی و اجتماعی کدام است و چگونه می‌توان به دور از فرهنگ سنتی، آینده خود را با مقتضیات جهان معاصر سازمان داد. در واکنش سوم افراد در پی آن هستند که عناصر مثبت فرهنگ و تمدن را بر ریشه‌های تاریخی، دینی و ملی خود بنا کنند؛ البته نباید فراموش کرد که کناره‌جویی از روند جهانی‌شدن، خواه‌ناخواه زیان‌بار خواهد بود. امروزه ویدئو، پخش برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره، اینترنت و ... مستقل از خواست متولیان تعلیم و تربیت و اولیاء دانش‌آموزان و مربیان عمل می‌کنند. از طرفی، از خودباختگی در مقابل فرهنگ مسلط جهانی‌سازی (فرهنگ غربی) هم، این زیان‌باری را افزایش خواهد داد. آنچه منطقی و معقول به نظر می‌رسد این است که به جای کناره‌گیری، وارد میدان عمل شد؛ اما نه با این باور که ورود، به منزله پذیرش و تسلیم در برابر فرهنگ جهانی‌شده فعلی باشد؛ بلکه با این باور که باید با این ورود، ادبیات

فصلنامه  
علمی-تخصصی  
پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول  
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



دیگری را برای پدیده موردنظر رقم زد. در این راستا ملل اسلامی باید به‌ویژه برای مواجهه با پدیده جهانی‌شدن فرهنگ و تعلیم و تربیت، دست به ابتکار عمل بزنند و از گردونه امتناع و استقبال مطلق نسبت به آن خارج شوند. (لطف آبادی، ۱۳۸۲، ۲۳۶).

این ابتکارات باید در سه سطح فراملی، ملی و فردی لحاظ شود.

### سطح فراملی

جهت اتخاذ موضوع در سطح فراملی باید بر جهانی‌سازی به عنوان پروژه‌ای هدف‌دار نظر داشت. باید در فکر مدیریت و هدایت پروژه هدفمند جهانی‌سازی بود که تاکنون رهبری آن از سوی رهبرانی بوده که به نظر می‌رسد شایستگی آن را نداشته‌اند. ما معتقدیم تنها دین و مکتبی که می‌تواند جهانی باشد، اسلام است. ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم پاشیده، جامعه‌ای نوین‌پایان کند. ایدئولوژی اسلام قادر است، نظام تازه‌ای در روابط بین جوامع بر اساس نظام تربیت اسلام ایجاد کند. حاکمیت جهانی اسلام با توجه به ماهیت انسانی و فطری، از زمینه‌های قوی برای پذیرش جهانی برخوردار است. پذیرش حاکمیت جهانی اسلام از یک سو ریشه در سازگاری تعالیم اسلام با خواست‌های درونی و فطری بشر داشته و از سوی دیگر در ناامیدی و سرخوردگی جوامع از نظام‌های موجود دارد. از ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام، «یرضی بها السموات و الارض» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ۱۸۷) است؛ بدین معنی که کلیه ساکنان زمین نسبت به آن، اعلام رضایت و پذیرش می‌کنند. در نتیجه اتخاذ موضع، عالم‌گیر ساختن پیام اسلام در سطح فراملی مورد تأکید است؛ آن‌چنان که خداوند در قرآن به آن اشاره می‌نماید: «ما ارسلناک کافه للناس بشیرا و نذیرا» (سبا/ ۲۸).



در این مسیر باید از فن‌آوری ارتباط جهانی‌شدن در جهت جهانی نمودن فرهنگ و تعالیم اسلامی بهره گرفت و منطق قدرتمند و سازگار با فطرت اسلام را به اکناف عالم انتقال داد. بدین منظور باید تغییری اساسی در رویه پروژه جهانی‌سازی به سبک فعلی ایجاد نمود و آن را به سمت بسط تعالیم و آموزه‌های اسلامی و جهان‌شمولی نمودن ایده‌های آن، مدیریت و رهبری نمود. به تعبیر سجادی: «جوامع اسلامی این فرصت را دارند تا با استفاده از منطق و توانمندی‌های تعالیم و فرهنگ اسلامی، جوامع تشنه و سرخورده را سیراب نمایند؛ اما ظرف انتقال‌دهنده این مشروب، جهانی‌شدن است». در یک کلام، به نظر می‌رسد در سطح فراملی باید به پدیده جهانی‌شدن به عنوان پروژه‌ای هدفمند نگریسته شود و مواضع و تلاش‌های فراملی در جهت خروج رهبری و هدایت این پروژه از سیطره قدرت‌های موجود و تحت مدیریت و انقیاد ایده‌های اسلامی در آوردن آن، باشد (۱۳۸۶، ۱۸۹).

### سطح ملی

جهت اتخاذ موضع در سطح ملی باید بر جهانی‌شدن به عنوان پروسه‌ای طبیعی نظر داشت. در مواجهه با این پروسه در سطح ملی، دولت اسلامی باید برنامه تربیتی ویژه‌ای را دنبال نماید. اتخاذ مواضع سیاه و سفید، پذیرش کامل یا امتناع مطلق و رد و قبول‌های متعصبانه نسبت به آنچه پروسه جهانی‌شدن به ارمغان می‌آورد، رویکردی نیست که بر اساس ایدئولوژی اسلامی، قابل توجیه و مورد پذیرش باشد. به عبارتی، چنین جزم‌اندیشی، یا جامعه را از دستاوردهای مطلوب این فرایند طبیعی محروم می‌نماید و یا در دام پیامدهای اجتناب‌ناپذیر استقبال شتاب‌زده و بی‌محابا از آن گرفتار می‌سازد. در نتیجه می‌توان از دو موضع،

فصلنامه  
علمی-تخصصی  
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول  
شماره دوم  
تابستان ۱۳۹۲



مرزبندی و امتناع مطلق؛ پیروی و استقبال تمام؛ به عنوان مواضع مورد انتقاد و غیرقابل قبول یاد نمود (موحدی و کرامتی، ۱۳۸۷، ۱۰۲۸).

از طرفی موضعی که به نظر می‌رسد متناسب با ایدئولوژی اسلام، موضعی قابل توجیه باشد، حالت میانه این دو موضع است؛ یعنی با بافت رایج و نقادی نسبت به آن تلقی می‌شود. از آیات متعددی در قرآن می‌توان استنباط نمود که در اسلام مواجهه متعصبانه و جزم‌اندیشانه با امور، قابل پذیرش نیست. از جمله در سوره زمر آمده است: «بشیر عبادالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» (زمر/ ۱۷) «پس بشارت بده، آن بندگان من را که به سخن گوش فرا می‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند...». چنین آیاتی صراحتاً بشر و جوامع را به انعطاف‌پذیری در مقابل امور مختلف، ارزیابی و انتخاب‌گری هوشمندانه دعوت می‌نماید. در نتیجه موضع ملی ما در قبال پروسه جهانی‌شدن، موضع ارزیابی، انتخاب‌گری، گزینش و طرد، نسبت به مظاهر و دستاوردهای جهانی‌شدن، بر طبق مبانی ایدئولوژیک اسلامی است. چراکه طرد تمام‌عیار همه مظاهر و دستاوردهای آن، نه‌تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست. طرد تمام‌عیار، وجهه‌ای غیرمنصفانه از خود خواهد داشت و زمینه‌ای برای پذیرش عصیت‌آلود تمام‌عیار خواهد بود. بر این اساس، برنامه تربیت ملی همواره باید پدیده‌های نوظهور مربوط به خود را در عرصه جهانی‌شدن مورد ارزیابی قرار دهد و موضعی انتخاب‌گر و گزینشی داشته باشد.

### سطح فردی

موضع اساسی در قبال جهانی‌شدن در سطح فردی، بر اساس مبانی ایدئولوژیک ملی (اسلامی) ما نیز رویکردی است که هیچ قیدوبند و قیدشکنی را برنمی‌تابد. به عبارت دیگر، در نظام تربیت افراد مبتنی بر دیدگاه اسلامی، قیدوبندی الزام‌آور از بیرون، جهت مقابله و مواجهه با پروسه جهانی‌شدن تربیت، امری



است که اگر بر فرض بعید ممکن باشد، مطلوب هم است. از طرفی هم، تربیت بدون قید، نقض غرض است. در تربیت افراد، برای ورود به عرصه جهانی باید بر ایجاد قیدها و الزامات درونی نظر داشت. در این زمینه قرآن هم از قیدها و حدود مرزهایی سخن می‌گوید: «تلك حدود الله فلا تعتدوا» (بقره/ ۲۲).

در نتیجه بر اساس دیدگاه اسلام، در تربیت افراد برای ورود به عرصه جهانی، نه قیدوبند بیرونی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و نه قیدشکنی قابل توجیه است. آنچه به نظر می‌رسد بتوان به دیدگاه اسلام در این زمینه نسبت داد، آن است که با به دست دادن معیارها، پرورش و رشد قوه قضاوت و مهم‌تر از همه، پرورش تقوای حضور، آنان را برای مواجهه با عرصه جهانی شدن، تجهیز نمود. در این زمینه یکی از رسالت‌های مهم نهاد تعلیم و تربیت این است که توانایی قدرت نقد و تجزیه و تحلیل گزینه‌های مختلف و توانایی انتخاب اصلح را در نسل آینده به وجود آورد. در مراجعه به آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود که چنین رویکردی به دیده قبول نگریسته شده است. آنجا که در سوره مائده آمده است: «یا ایها الذین آمنوا انفسکم لایضرکم من ضل اذا اهدیتم» (مائده/ ۱۰۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید؛ هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند». پرداختن به خود در این آیه حاکی از ایجاد قوت درونی است که انسان را از تزلزل و نیاز به کنترل بیرونی مصون می‌دارد. به‌طور خلاصه به نظر می‌رسد بر اساس دیدگاه اسلام، تربیت افراد برای ورود به پروسه جهانی شدن، رویکردی قیدوبندی و قیدشکنی در مفهوم متعارف آن را بر نمی‌تابد. دیدگاه اسلامی بر پرورش قوه داوری، قضاوت، ایجاد و رشد قیده‌های درونی در افراد نظر دارد تا افراد با اتکا به پشتوانه‌های درونی و اعتقادی بتوانند در عرصه جهانی شدن دست به انتخاب، گزینش و طرد از بین پدیده‌های نوظهور بزنند.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲

۱۴۸



از این‌رو، الگوی سلامت معنوی مطلوب که متناسب با پدیده «جهانی‌شدن» باشد مشتمل بر دو بخش ذیل خواهد بود:

### ۱. تربیت دینی عام یا همگانی

تربیت دینی عام یا همگامی، بخشی از آموزه‌های دینی است که هسته مرکزی و در واقع باطن آن را تشکیل می‌دهد و فقط فطرت پاک و خالص انسانی قادر به شناخت آن است. این قسمت مشتمل بر توحید، صفات توحیدی، آموزه‌های اخلاقی و ارزشی ثابت و جهانی است که در حقیقت بر بنیاد توحید و صفات خداوندی استوار شده‌اند و به پیروی از قطعیت و ثبات آن، خود نیز جاودانی و جهانی هستند. این بخش از تربیت دینی، مشترک بین تمامی ادیان الهی است. بنابراین بخشی از تربیت دینی می‌تواند جنبه عام و جهانی داشته باشد؛ چراکه گفتمان و توافق نظر در مورد آن، امکان‌پذیر است و اصولاً یکی از اهداف متعالی تربیت دینی نیز همان پرورش این بخش باطنی یا به تعبیری «مغز دین» است (شمشیری، ۱۳۸۵، ۲۵۹).

### ۲. تربیت دینی اختصاصی (اسلامی)

این قسمت از تربیت دینی به سپهر کثرت‌گرایی و نسبت‌گرایی تعلق دارد؛ چراکه در این بخش، میان ادیان و آیین‌های گوناگون، تفاوت‌های فاحش و چشمگیری وجود دارد. تفاوت‌هایی که از طریق علم حضوری و مکاشفات شهودی، امکان شناسایی و درک آنها وجود ندارد؛ بلکه شناسایی آنها از طریق علم اکتسابی، نظیر علوم نقلی و عقلی امکان‌پذیر است و در حقیقت علمی هستند که مانند علوم تجربی تحت سیطره نسبت و کثرت قرار داشته و به همین خاطر نمی‌توانند به عنوان ملاک و معیار گفتمان و سپس توافق جمعی قرار گیرند.



## جمع‌بندی

عصر ما، عصر چالش‌هاست؛ بحران‌ها و چالش‌هایی که ضمن ایجاد تغییرات عمده و زیربنایی در انسان، سبب تحولات و پویایی‌های خاصی در جنبه‌های گوناگون زندگی او شده است. باید گفت که در راستای تربیت دینی (تربیت اسلامی) و به موازات بررسی رابطه دین و معنویت در سایه طراحی نظام آموزشی منطبق با آن، برخی مفاهیم، همچون سلامت معنوی، هوش معنوی، تحول معنوی و بهزیستی معنوی در حوزه تعلیم و تربیت، قابل رؤیت خواهد بود. در این میان، مایه اصلی پویایی و تحرک انسان، دستیابی به معنویت حقیقی و مبتنی بر سطوح فزاینده معرفت است؛ یعنی از شناخت حسی به سوی شناخت عقلانی<sup>۱</sup> شهودی است. زمینه‌سازی برای تکامل، تعالی و تنوع در تجارب درونی و معنوی در راستای خرد و باور دینی، مصداق کامل بازسازی و تجدیدنظر شمرده می‌شود و برای این مهم، باید از شیوه تدبیر و تعقل در آیات الهی و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام متناسب با هر موضوع علمی استفاده شود.

تمام علوم و معارف از جانب خداوند متعال و توسط معصومان علیهم‌السلام به انسان افاضه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۵، ۵۰۸) و عوامل گوناگون یادگیری، مانند آموزش، کتاب و معلم، وسیله و ابزاری بیش نیستند. با پاک‌سازی، صفا و نورانیت باطن می‌توان به دریافت‌های درونی، شهودی و غیراکتسابی نیز دست یافت که به مراتب، بیشتر و عمیق‌تر از آموخته‌های طبیعی و اکتسابی است. فراگیر در سایه درک درست معنویات و حقایق غیرمادی، بر کمالات ثانویه خویش می‌افزاید و به مراتب بالاتری از وجود دست می‌یابد؛ نه اینکه صرفاً توانایی‌های علمی و سطح دانش خود را افزایش دهد.

فصلنامه  
علمی-تخصصی  
پژوهش‌نامه  
**تربیت تبلیغی**  
سال اول  
شماره دوم  
تابستان ۱۳۹۲





هدف از فرایند آموزش، تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه باید مهارت‌های سه‌گانه گرایش به معنویت (معنویت‌خواهی)، کسب معنویت (معنویت‌یابی) و تقویت معنویت (معنویت‌افزایی) با بهره‌گیری از منابع علمی، روان‌شناختی و دینی آموزش داده شود. آموزش و تدریس معنویت و تلقی صحیح از آن، نه تنها در دروس دینی، اخلاقی و فلسفی، بلکه در تمام موضوع‌های درسی، ارزش محسوب شده و نمودی قابل توجه می‌یابد و باید به شیوه‌های صحیح منطقی انجام پذیرد.

مروری بر مفاد متون دینی و فرهنگی، ما را با این واقعیت غیر قابل انکار روبه‌رو می‌سازد که دین اسلام، یک پدیده جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است و امروزه نیز دین‌داران و پیروان آئین حنیف اسلام باید برای جهانی شدن آن بکوشند. آیات قرآنی به صراحت یا به صورت غیرمستقیم از جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ و محدود نبودن آن به عصر مشخصی سخن گفته و نگاه جهانی دین را حکایت کرده است (انبیاء/۱۰۷). در این راستا، جهانی شدن با هر تفسیری، واقعیتی است که بر عرصه‌های تربیتی تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین باید با واقع‌بینی و به دور از هرگونه حصاربندی و قرنطینه‌سازی که در شرایط حاضر، ناممکن و نامناسب است و نیز به دور از هرگونه حصارشکنی عجولانه در برابر امواج جهانی شدن، با به دست دادن معیارهای مناسب، زمینه توانایی ارزیابی این جریان جدید را در خود افزایش دهیم تا به درستی از امکانات ارزشمند آن بهره‌مند شویم و از آسیب‌های احتمالی آن مصون بمانیم. سیر جهانی شدن به شکل کنونی آن، ایجاب می‌کند که طرز تلقی ما نسبت به این پدیده تغییر کرده و در پرتو این تغییر، رسالت و موضع ما نسبت به جهانی شدن و همه‌گیر شدن دوباره تعریف شود. با توجه به ابعاد مختلف جهانی شدن (پروسه‌ای طبیعی یا پروژه‌ای

هدفمند)، کشورهای اسلامی در راستای سلامت معنوی، برای مواجهه با بعد فرهنگی و تربیتی آن باید دست به ابتکار عمل بزنند. این ابتکارات باید در سه سطح فراملی، ملی و فردی لحاظ شود.

انسان با ویژگی «معنوی بودن» خویش می‌تواند به بالاترین سطوح یادگیری و از جمله یادگیری غیرمتداول، فراحسی و شهودی-عرفانی دست یابد؛ چراکه معنویت، تعادل و توازن در بصیرت تربیتی را به وجود می‌آورد و یک روش آموزش معنوی می‌تواند یک نیروی زندگی و احساس عمیق از هدف و معنای حیات را به کلاس درس وارد کند. به همین منظور، در سطح فراملی باید با اتکا آموزه‌های اسلام به توسعه یک نوع کنترل جهانی به منظور حل مسائل و مشکلات جهانی تعلیم و تربیت رو کرد. باید همه‌گیر ساختن فرهنگ و تربیت اسلامی و رساندن پیام اسلام به همه ملل جهان را دستور کار پروژه هدفمند جهانی‌سازی قرار داد. از طرفی در مقابل پروسه طبیعی جهانی‌شدن در سطح ملی نیز دولت اسلامی باید برنامه‌ریزی ویژه‌ای را دنبال نماید. به گونه‌ای که به جای رد و قبول متعصبانه نسبت به پروسه طبیعی جهانی‌شدن، با تمسک به مبانی ایدئولوژیک خود، انتخاب‌گزینشگری و طرد را به عنوان راهبردی مؤثر در مواجهه با پدیده‌های نوظهور آن پیشه نماید. در سطح فردی نیز رسالت تعلیم و تربیت در بستر جهانی‌شدن، به دست دادن معیارهای صحیح بر اساس مبانی اسلام و پرورش قوه قضاوت و داوری و مهم‌تر از آن، پرورش تقوای حضور در تک‌تک افراد جامعه است.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



## منابع

- \* قرآن کریم؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای؛ قم: سپهر نوین، ۱۳۸۶.
- \* نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: جمال، ۱۳۸۷.
۱. اسماعیل یصحانی، سعید؛ «جهانی‌سازی و استراتژی مقاومت»؛ فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان، ۱۳۸۱.
  ۲. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد دوم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
  ۳. برخوردار، رمضان؛ بررسی تحلیلی روش‌های تربیت دینی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران: ۱۳۸۴.
  ۴. پورطهماسبی، سیاوش؛ نقش و عملکرد تربیتی رسانه در عصر پیست‌مدرن؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۷.
  ۵. پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر؛ «تبیین رابطه جهانی‌شدن و تربیت دینی، چالش‌ها، فرصت‌ها و ملاحظات عملی جهت کاربست در نظام تربیت اسلامی»؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: آبان ماه، ۱۳۸۸.
  ۶. جامی، عبدالرحمن؛ نقد الخصوص فی شرح نقش الخصوص؛ انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران: ۱۳۸۱.
  ۷. جلالی، علی‌اکبر؛ برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات؛ تهران: انتشارات مدارس هوشمند، ۱۳۸۱.
  ۸. خسروشاهی، سید هادی؛ اسلام دین آینده جهان؛ تهران: انتشارات هدی، ۱۳۵۱.
  ۹. رضایی زارچی، محمدرضا؛ بررسی نسبت جهانی‌شدن با تربیت دینی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۵.
  ۱۰. رقیب، مائده سادات و محمد نجفی؛ «نقش هوش معنوی در تربیت دینی»؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، آبان ماه، ۱۳۸۸.
  ۱۱. سجادی، سید عبدالقیوم؛ درآمدی بر اسلام و جهانی‌شدن؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
  ۱۲. سجادی، عبدالقیوم؛ «شیعه و جهانی‌شدن»؛ بانک مقالات جهانی‌شدن، اینترنت، ۱۳۸۶.
  ۱۳. سهراب، بهشته؛ سارانی، احمد؛ «جهانی‌شدن و هویت ملی در برنامه درسی»؛ هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، جهانی‌شدن و بومی‌ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه مازندران، ۸ و ۹ آبان، ۱۳۸۷.
  ۱۴. شمشیری، بابک؛ «ریشه‌یابی چالش‌ها و بحران‌های جهان معاصر و نقش دین‌گرایی عرفانی در کاهش آنها»؛ همایش گفتگوی ادیان، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۲.
  ۱۵. شمشیری، بابک؛ تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان؛ تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۵.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان*؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ دفتر انتشارات اسلامی؛ قم؛ ۱۳۸۶.
۱۷. عطاران، محمد؛ فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت؛ تهران: انتشارات مدارس هوشمند، ۱۳۸۲.
۱۸. قادری، مصطفی؛ *برنامه درسی آرمانی در محیط مجازی برداشتی نواز برنامه درسی*؛ کتاب برنامه درسی در عصر فن آوری اطلاعات و ارتباطات؛ تهران: انتشارات آبیژ، ۱۳۸۳.
۱۹. لطف آبادی، حسین؛ *وضعیت و نگرش جوانان ایران*؛ جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲.
۲۰. لگنهاوزن، محمد؛ *اسلام و کثرت‌گرایی دینی*؛ ترجمه نرجس جوان دل، قم: انتشارات طه، ۱۳۷۹.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد؛ *میزان‌الحکمة*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۲. موحدی محصل طوسی، مرضیه؛ کرامتی، معصومه؛ «تعلیم و تربیت ملی (اسلامی) در پروسه جهانی‌شدن و پروژه جهانی‌سازی: نگاهی دیگر»؛ هشتمین همایش ملی مطالعات برنامه درسی ایران جهانی‌شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه مازندران، آبان ماه، ۱۳۸۷.
۲۳. نجفی، محمد و مهدیه کشانی؛ «برنامه درسی معنوی برای دستیابی به تربیت دینی»؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم؛ آبان ماه، ۱۳۸۸.
۲۴. هنیس، جف؛ *دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*؛ ترجمه داوود کیسانی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

25. King, D.B, The spiritual intelligence project Trent University, Canada.

Retrieved from internet: dbking.net2007.

26. Nasel,D.D.Spiritual orirntation in relation to spiritual intelligence: Aconsideration of traditional Christianity and new age/individualistic spirituality, thesis submitted for the degree of phd in the university of south austuralia , division of education, arts and social sciences, school of psychology2004.

27. Wiggless worth, Cindy, Integral spiritual intelligence: 21 skills in 4 quadrants. Retrieved form internet: www .innerworkspublishing.Com/news/vol32 /reflections .htm 2004.